

# امام صادق (ع) را

## بهتر بشناسیم

### (بخش اول)

محمد الله اکبری



نام شریفش جعفر، کنیه اش ابو عبدالله و ابواسماعیل و لقبهایش فاضل، قائم، طاهر، کافل، منجی و مشهورترین آنها صادق بود. در روز جمعه هفدهم ربیع الاول سال ۸۳ هجری قمری هنگام طلوع فجر در مدینه چشم به جهان گشود و در بیست و پنجم شوال سال ۱۴۸ هجری قمری در سن شصت و پنج سالگی در مدینه چشم از جهان فرو بست و در کنار پدر و جد (امام باقر و امام سجاد (ع) و عموی جدش (امام جنس مجتبی (ع)) در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. ۱ پدرش ۲۶ ساله بود که او زاده شد. دوازده سال از عمر شریفش را در کنار جدش امام سجاد (ع) و نوزده سال را در کنار پدرش امام باقر (ع) گذراند. مدت امامت آن گرامی ۳۴ سال بود که حدود هجده سال آن (۱۳۲-۱۱۴ هـ) همزمان با حکومت امویان بود و شانزده سال آن (۱۴۸-۱۳۲ هـ) همزمان با حکومت عباسیان. آن حضرت با پنج تن از خلفای بنی امیه - هشام بن عبدالملک (۱۲۵-۱۰۵ هـ)، ولید بن یزید (۱۲۶-۱۲۵ هـ)، یزید بن ولید (۷-۱۲۶ هـ)، ابراهیم بن ولید (۱۲۷ هـ) و مروان بن محمد ملقب به حمار (۱۳۲-۱۲۷ هـ) و دو تن از خلفای بنی عباس ابوالعباس سفاح (۱۳۲-۱۳۶) و ابو جعفر منصور (۱۵۸-۱۳۶ هـ) معاصر بود.

در مدت امامت آن حضرت در قلمرو اسلام حوادث مهمی روی داد. تنی چند از علویان علیه حکومت وقت قیام کردند. زید بن علی بن الحسین پسر امام سجاد (ع) در سال ۱۲۱ هجری علیه هشام بن عبدالملک اموی در کوفه قیام کرد و به شهادت رسید. یحیی پسر زید نیز چند سال بعد در خراسان قیام کرد و کشته شد. محمد بن عبدالله معروف به نفس زکیه نوه امام حسن مجتبی (ع) نیز در سال ۱۴۵ هجری علیه حکومت عباسی - علیه منصور دوایتی - در مدینه قیام کرد ولی کارش به جایی نرسید و کشته شد. برادر این محمد، ابراهیم بن عبدالله هم در همان سال در بصره علیه منصور قیام کرد و کشته شد. از جمله مهمترین حوادث

#### سیاسی

#### اجتماعی دوران

امامت امام صادق (ع) انتقال حکومت از امویان به عباسیان بود. عباسیان که از سال ۱۰۰ هجری یک نهضت فرهنگی پنهانی را بنیاد کرده بودند و علیه امویان در خراسان مخفیانه تبلیغ می کردند سرانجام در سال ۱۲۹ هجری به یک قیام نظامی به رهبری ابومسلم خراسانی دست زدند و در سال ۱۳۲ هجری ابوالعباس سفاح را در کوفه به خلافت رساندند و در همان سال مروان حمار آخرین خلیفه اموی در مصر به دست سپاه خراسان کشته شد.

در دوره امامت امام صادق (ع) مسلمانان بیش از پیش به علم و دانش روی آوردند و در بیشتر شهرهای قلمرو اسلام بویژه در مدینه، مکه، کوفه، بصره و... مجالس درس و مناظره های علمی دایر و از رونق خاصی برخوردار گردید. در این مدت و با استفاده از فرصت به دست آمده امام صادق (ع) توانست علوم و معارف اهل بیت را بیان کرده در همه جا منتشر کند. سفرهای اجباری و اختیاری امام به عراق و به شهرهای حیره، هاشمیه و کوفه و مدتی اقامت در کوفه و برخورد با اربابان دیگر مذاهب فقهی و کلامی

نقش بسزایی در معرفی علوم اهل بیت و گسترش آن در جامعه داشت. در این شهرها - مدینه، کوفه، حیره، هاشمیه و مکه در ایام حج - گروههای مختلف برای فراگیری دانش نزد آن حضرت می آمدند و از دریای دانش او بهره می بردند. بزرگان اهل سنت چون مالک بن انس، ابوحنیفه، سفیان ثوری، سفیان بن عینه، ابن جریر، روح ابن قاسم و... ریزه خوار خوان دانش بیکران او بودند. آن اندازه که دانشمندان و راویان از او حرف و حدیث نقل کرده و از دانش وی بهره برده اند از هیچ یک از دیگر ائمه و دیگر خاندان اهل بیت، آن اندازه نقل نکرده اند. هیچ محدث و فقیهی به اندازه آن حضرت مسأله پاسخ نگفته است. ۳. بر خورد وی با گروههای مختلف مردم سبب شد که آوازه شهرتش در دانش و پیش دینی، علم و تقوی، سخاوت و جود و کرم و... در تمام قلمرو اسلام طنین انداز شود و مردم از هر سو برای استفاده از دانش بیکران وی رو سوی او کنند. دانشمندان علم حدیث شمار کسانی را که مورد اعتماد بوده اند - راویان ثقه - و از آن حضرت حدیث نقل کرده اند تا چهار هزار نفر را نوشته اند.

ظاهراً نخستین بار این عقده این

شمارش را انجام داده است.

(نک مناقب، ۴/۳۶۹ دارالاصواء)

شیخ طوسی در کتاب رجال خود سه هزار

و دوست و سی و چهارتن از این راویان از

جمله دوازده زن را نام برده است. (نک:

رجال طوسی، اصحاب الصادق (ع))

در این دوره علوم و فلسفه ایرانی، هندی و

یونانی به حوزه اسلامی راه یافت و بازار ترجمه

علوم گوناگون از زبانهای مختلف به زبان عربی

گرم و پر رونق گردید.

همچنین مکتبهای کلامی و فرقه های مذهبی و

فقهی در این عصر پایه گذاری شد. مناظرات امام

صادق (ع) با اربابان دانشهای گوناگون چون پزشکان،

فقیهان، منجمان، تکلمان، صوفیان و... بویژه مناظرات وی با

ابوحنیفه مشهور و در منابع شیعه و سنی ثبت است. (نک مناقب:

۴/۳۰۵-۲۳۳، کشف الغمّة: ۲/۴۳۰-۳۶۷) به عنوان مثال

چگونگی گردش خون در بدن و وظائف گلبولها را امام صادق (ع)

دست کم هزار سال پیش از دانشمندان غربی بیان کرده است.

(بنگرید: توحید مفضل).

زوی، پیچیده موی و پیوسته صورتش چون آفتاب می درخشید. در جوانی موهای سرش سیاه بود. بینی اش کشیده و وسط آن اندکی بر آمده بود و برگونه راستش خال سیاهی داشت. ۵. محاسن آن جناب نه زیاد پر پشت و نه زیاد تنک بود. ۶.

دندانهایش درشت و سفید بود و میان دو دندان پیشین آن گرمی فاصله داشت. ۷. بسیار لبخند می زد و چوَن نام پیامبر برده می شد رنگ رخسارش زرد و سبز می شد. ۸. در پیری سفیدی موی سرش بر وقار و هیبتش افزوده بود. ۹.

### آراستگی ظاهر

بسیار با ابهت بود. ۱۰. چندانکه چون دانشمندان زمانش به قصد پیروزی بر او برای مناظره های علمی به دیدارش می رفتند، با دیدن او زبانشان بند می آمد. همواره با وقار و متین راه می رفت و به هنگام راه رفتن عصا در دست می گرفت. ۱۱. ظاهرش همیشه مرتب و لباسش اندازه بود. ۱۲. به وضع

ظاهر خود

بسیار اهمیت می داد. موهای سر و

صورتش را هر روز شانه می زد. ۱۳.

عطر به کار می برد و گل می بوئید. ۱۴.

انگشتری نقره بانگین عقیق در دست

می کرد و نگین عقیق بسیار دوست

می داشت. ۱۵. هنگام نشستن گاه چهار

زانو می نشست ۱۶ و گاه پای راست را

بر ران چپ می نهاد. ۱۷. در اتاقتش

نزدیک در و روبه قبله

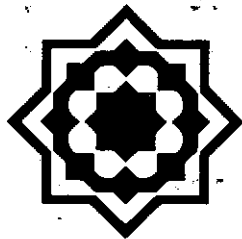
می نشست. ۱۸. لباسهایش را خود تا

می کرد. ۱۹. گاه بر تخت می خوابید

و گاه بر زمین. ۲۰.

چون از حمام بیرون می آمد

لباس تازه و پاکیزه می پوشید و عمامه می گذاشت. ۲۱.



امام صادق (ع) از اعظم  
عباد و اکابر زهاد بود. از  
سه حال خارج نبود: یا  
روزه داشت، یا نماز  
می خواند و یا ذکر  
می گفت. چون روزه  
می گرفت بوی خوش به  
کار می برد

### لباس پوشیدن

در لباس پوشیدن هم ظاهر را حفظ می کرد و هم توانایی مالی ۲۲

را و می فرمود: «بهترین لباس در هر زمان، لباس معمول مردم همان

زمان است. ۲۳. هم لباس نومی پوشید و هم لباس وصله دار. ۲۴. هم

از برخوردی پرهیز می‌کرد. ۴۵ بعد از غذا خوردن خلال می‌کرد. ۴۶

### عبادت

امام صادق (ع) از اعظام عباد و اکابر زهاد بود. از سه حال خارج نبود: یا روزه داشت، یا نماز می‌خواند و یا ذکر می‌گفت. ۴۷ چون روزه می‌گرفت بوی خوش به کار می‌برد و بعد از ماه رمضان بی‌درنگ زکات فطره روزه خود، خانواده و خدمتکارانش را می‌پرداخت. ۴۸ شهای قدر را - اگر چه مریض بود - تا صبح در مسجد به نیایش و عبادت می‌گذراند. ۴۹ چون نیمه شب برای خواندن نماز شب بر می‌خواست با صدای بلند ذکر می‌گفت و دعا می‌خواند تا اهل خانه بشنوند و هر کس بخواهد برای عبادت برخیزد. ۵۰ هنگامی که مأموران حکومت برای دستگیری وی شبانه از دیوار منزلش وارد می‌شدند، او را در حال راز و نیاز با توانای بی‌همتا یافتند. ۵۱ آن گرامی ذکر رکوع و سجود را بسیار تکرار می‌کرد.

امام صادق (ع) خداوند را همه جا حاضر و او را بر اعمال خود

ناظر می‌دانست. از این رو به گاه نیایش

مجدوب خداوند می‌شد. مالک

بن انس می‌گوید: «با امام

صادق - بر او درود

خدای باد - حج

گزاردم، به

هنگام تلبیه

هر چه می‌گوئید

تا لیک بگوید،

صدایش در گلو

می‌ماند و چنان حالتی

به او دست می‌داد که

تزدیک بود از مرکبش به زیر

افتد. گفت: چاره‌ای نیست باید لیک

گفت. فرمود: چگونه جرأت کنم لیک بگویم، می‌ترسم خداوند

بگوید: «نه لیک» ۵۲ چون زبان به لیک می‌گشود، آن قدر آن را

تکرار می‌کرد که نفسش بند می‌آمد. ۵۳ قرآن را بسیار بزرگ

می‌داشت و آن را در چهارده بخش قرائت می‌فرمود. ۵۴

### برنامه زندگی

[کار]

امام صادق (ع) در زندگی برنامه‌ای منظم داشت و هر کاری را

به موقع انجام می‌داد؛ چنانکه خود فرمود: «بی‌حیا بی‌ایمان است و

بی‌برنامه بی‌چیز» ۵۵ مجلس درس و بحث و مناظره‌ها و مذاکرات

لباس گران قیمت می‌پوشید و هم لباس کم بها ۲۵ و می‌فرمود: «اگر کهنه نباشد، نو هم نیست. ۲۶ لباس کم بها و زبر را زیر و لباس نرم و گران قیمت را روی آن می‌پوشید و چون «سفیان ثوری» زاهد به وی اعتراض کرد که «پدرت علی (ع) لباسی چنین و گران بها نمی‌پوشید» فرمود: «زمان علی (ع) زمان فقر و نداری بود و اکنون همه چیز فراوان است. ۲۷»

پوشیدن آن لباس در این زمان لباس شهرت است و حرام ۲۸ خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد و چون به بنده اش نعمتی می‌دهد، دوست دارد بنده اش آن را آشکار کند. ۲۹ سپس آستین را بالا زد و لباس زیر را که زبر و خشن بود، نشان داد و فرمود: «لباس زبر و خشن را برای خدا پوشیده‌ام و لباس روئین را که نو و گران بها است برای شما.» ۳۰

هنگام احرام و انجام فریضة حج برد سبزی می‌پوشید و به گاه نماز پیراهن زبر و خشن و پشمین. ۳۱ لباس سفید را بسیار دوست داشت و چون به دیدن دیگران می‌رفت آن را برتن می‌کرد. ۳۲ نعلین زرد می‌پوشید ۳۳ و به کفش زرد رنگ و سفید علاقه مند بود. ۳۴

### غذا خوردن

به هنگام غذا خوردن

چهار زانو می‌نشست و

گاهی هم بر دست

چپ تکیه می‌کرد

و غذایی خورد. ۲۵

رعایت بهداشت

را بویژه به هنگام

غذا خوردن بسیار

مهم می‌شمرد. همواره

هم پیش از غذا خوردن

دستاش را می‌شست و هم بعد از

غذا، با این تفاوت که پیش از غذا دستاش را

بعد از شستن، با چیزی چون حوله خشک نمی‌کرد ولی پس از غذا

آنها را می‌شست و خشک می‌کرد. ۳۶ اگر هنگام غذا خوردن

دستاش تمیز بود آنها را نمی‌شست. ۳۷ همیشه غذا را با گفتن «بسم

الله» شروع می‌کرد و با جمله «الحمد لله» به پایان می‌برد. ۳۸ نیز

غذا را بانمک آغاز و با سرکه تمام می‌کرد. ۳۹ به هنگام خوردن غذا

«الحمد لله» بسیار می‌گفت و نعمتهای خدا را سپاس می‌گفت. ۴۰

غذا را داغ نمی‌خورد بلکه صبر می‌کرد تا معتدل شود، میل

می‌کرد. ۴۱ به وقت خوردن از آن قسمت ظرف که مقابلش بود غذا

می‌خورد. ۴۲ هیچگاه در حال راه رفتن غذا نمی‌خورد. ۴۳ و هیچ

وقت شام نخورده نمی‌خواید. ۴۴ همواره به اندازه غذا می‌خورد و

علمی با شاگردان، یاران و سران مذاهب دیگر وقت معینی داشت و پرداختن به امور زندگی و کار در مزرعه و باغ نیز وقت خاص خودش را.

آن حضرت یاران و پیروان خود را به کسب مال حلال تشویق می کرد و از آنان می خواست که در کار خود کوشا باشند و از هرگونه تبلی و کسالت دوری کنند. ۵۶ کار کردن و تجارت را موجب عزت و سربلندی انسان می دانست و می فرمود: «صبح زود برای به دست آوردن عزت خود بروید، ولی تأکید می کرد که تجارت باید سالم باشد و کسب در آمد از راههای درست و مشروع باشد.»

آن گرامی هرگونه کوشش و تلاش را برای توسعه زندگی خود و خانواده، حج و زیارت رفتن، صدقه دادن و صلوة رحم کردن را تلاش برای آخرت می دانست نه دنیا. ۵۷ تنها به کار و کوشش سفارش نمی کرد، بلکه خود نیز کار می کرد و در روزهای بسیار گرم تابستان، عرق ریزان در مزرعه و باغ خود کار می کرد. ۵۸ باغش را بیل می زد و آبیاری می کرد. یکی از یارانش می گوید: «آن حضرت را در باغش دیدم، پیراهنی تنگ، زیر و خشن در برو بیل در دست باغ را آبیاری می کرد و عرق از سرو صورتش سرازیر بود. گفتم: «اجازه بفرمایید من کار را انجام دهم.» فرمود: «من کسی را دارم که این کارها را انجام دهد، ولی دوست دارم که مرد در راه به دست آوردن روزی حلال از گرمی آفتاب آزار ببیند و خداوند ببیند که من در پی روزی حلال هستم.» ۵۹ یکی از یارانش که آن حضرت را در یک روز بسیار گرم تابستان دید که کار می کند، معترضانه گفت: «فدایت شوم، شما با مقام والایی که نزد خداوند داری و خوشاوندی نزدیکی که با پیغمبر داری. در چنین روزی. این گونه سخت کار می کنی؟» امام (ع) پاسخ داد: «در طلب روزی حلال بیرون آمدم تا از چون تویی بی نیاز شوم.» ۶۰

امام صادق (ع) هم خود کار می کرد و هم غلامان و خدمتکاران خود را به کار و می داشت و هم کارگران روز مزد را به کار می گرفت. هر وقت کارگری را به کار می گرفت پیش از خشک شدن عرقش مزدش را می پرداخت. ۶۱ هنگام برداشت خرما هم در جمع آوری آن کمک می کرد و هم در وزن کردن آن. و هم به هنگام فروش و تقسیم بر فقرا و نیازمندان.

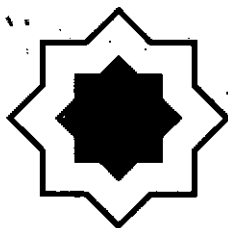
#### [تبارت]

امام صادق (ع) نه تنها پیروان و یارانش را به کارهای درست و تجارت صحیح تشویق می کرد بلکه خود نیز گاهی به تجارت می پرداخت. اما نه به دست خویش. بلکه سرمایه اش را در اختیار کارگزاران و افراد مطمئن قرار می داد تا با آن تجارت کنند. ۶۲ چون می شنید که سودی برده و روزی به او رسیده شادمان می شد. ۶۳ با این حال بر تجارت سالم بسیار تأکید داشت و هنگامی که کارپرداز

وی مصادف که با سرمایه وی به تجارت مصر رفته بود، با سودی کلان بازگشت فرمود: «این سود خیلی زیاد است با کالاهای چه

کردید که چنین سود هنگفتی به دست آوردید؟» مصادف پاسخ داد: «چون به مصر نزدیک شدیم از کاروانهای که از مصر می آمدند از وضع کالای خویش پرسیدیم. دانستیم که این کالا مورد نیاز مردم مصر است و در بازار آنجا بسیار نایاب است. از این رو با هم پیمان بستیم که کالایمان را جز در برابر هریک دینار سرمایه یک دینار بود، کمتر نفروشیم، این بود که سود زیادی بردیم.» امام (ع) فرمود: «سبحان الله. علیه سلیمان هم پیمان می شوی که کالایمان را جز در برابر هر دینار سرمایه یک دینار سود کمتر نفروشید.» سپس اصل سرمایه اش را برداشت و فرمود: «من را به این سود نیازی نیست. ای مصادف، چکاچک شمشرها از کسب روزی حلال آسان تر است.» ۶۴ چون امام (ع) این گونه سود بردن را اجحاف در حق مسلمانان می دانست به کارگزار خود اعتراض کرد و از آن سود چیزی برنگرفت.

**امام  
صادق(ع)  
هم خود کار  
می کرد و هم  
غلامان و  
خدمتکاران  
خود را به کار  
و می داشت  
و هم  
کارگران روز  
مزد را به کار  
می گرفت.  
هر وقت  
کارگری را به  
کار  
می گرفت  
پیش از  
خشک شدن  
عرقش  
مزدش را  
می پرداخت**



## «پی نوشتها»

- ۴۷- همان.  
 ۴۸- مکارم الاخلاق، ص ۱۷۴.  
 ۴۹- خصال صدوق، ج ۱، ص ۱۸۴؛ مناقب، ج ۴، ص ۲۹۸؛ بحار، ج ۴۷، ص ۱۶.  
 ۵۰- بحار، ج ۴۷، ص ۵۴.  
 ۵۱- همان.  
 ۵۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۳۱۴.  
 ۵۳- بحار، ج ۴۷، ص ۱۹۵.  
 ۵۴- همان، ص ۱۶.  
 ۵۵- خصال صدوق، ج ۱، ص ۱۸۴؛ مناقب، ج ۴، ص ۲۹۷؛ بحار، ج ۴۷، ص ۱۶.  
 ۵۶- بحار، ج ۴۷، ص ۱۶.  
 ۵۷- همان، ص ۵۴.  
 ۵۸- امام صادق و مذاهب اربعه، ج ۲، ص ۲۹۹.  
 ۵۹- بحار، ج ۴۷، ص ۵۶.  
 ۶۰- همان، ص ۵۷.  
 ۶۱- همان، ص ۵۵-۵۶.  
 ۶۲- همان، ص ۵۷ و کافی، ج ۵، ص ۸۷.  
 ۶۳- بحار، ج ۴۷، ص ۵۷.  
 ۶۴- همان، ج ۴۷، ص ۵۶ و کافی، ج ۵، ص ۷۶.  
 ۶۵- بحار، ج ۴۷، ص ۵۹-۵۶ و کافی، ج ۵، ص ۱۶۱-۶۶. همان.

- ۱- مفید، ارشاد: ج ۲، ص ۱۷۹؛ مناقب (پنج جلدی): ج ۴، ص ۳۰۲-۳۰۱؛ وارا الاضواء؛ كشف الغمه: ج ۲، ص ۳۷۴-۳۷۳-۳۶۸.  
 ۲- اخبار الدولة العباسية  
 ۳- ارشاد: ج ۲، ص ۱۷۹؛ كشف الغمه: ج ۲، ص ۳۷۹.  
 ۴- نجفی، محمد جواد، سرگذشت امام صادق (ع) ص ۲۳؛ جنات الخلود، جدول امام صادق (ع).  
 ۵- مناقب: ج ۴، ص ۳۰۳؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۹، امام صادق و مذاهب اربعه، ج ۳، ص ۶۲.  
 ۶- سرگذشت امام صادق (ع)، ص ۲۳.  
 ۷- همان، ص ۲۳، کمپانی، فضل الله، زندگی امام صادق (ع)، ص ۷.  
 ۸- مناقب: ج ۱، ص ۱۸۴؛ انتشارات علامه، ۴ جلدی، ارجاعات جز شماره ۱ به ۴ جلدی انتشارات علامه است.  
 ۹- امام صادق (ع) و مذاهب اربعه، ج ۳، ص ۶۸-۶۹.  
 ۱۰- رجال کشی، ص ۲۵۷؛ بحار، ج ۴۷، ص ۲۱۷.  
 ۱۱- بحار، ج ۴۷، ص ۲۸.  
 ۱۲- مکارم الاخلاق، ص ۱۲۴؛ وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۳۶۷.  
 ۱۳- مکارم الاخلاق، ص ۷۹.  
 ۱۴- همان، ص ۲۳.  
 ۱۵- وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۲-۴۰۳.  
 ۱۶- بحار، ج ۴۷، ص ۴۸؛ وسایل، ج ۱۶، ص ۴۶۶-۴۶۷؛ کافی، اصول، ج ۴، ص ۴۸۳. چهار جلدی با ترجمه.  
 ۱۷- همان  
 ۱۸- اصول کافی، ج ۴، ص ۴۸۴؛ در این نوشته تمام ارجاعات اصول کافی به چهار جلدی اصول با ترجمه فارسی است.  
 ۱۹- وسایل، ج ۳، ص ۴۱۵.  
 ۲۰- بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۲۸.  
 ۲۱- مکارم الاخلاق، ص ۵۸-۵۹.  
 ۲۲- بحار، ج ۴۷، ص ۳۵۴-۳۶۱؛ وسایل، ج ۳، ص ۳۵۱.  
 ۲۳- بحار، ج ۴۷، ص ۵۴؛ وسایل، ج ۳، ص ۳۴۲.  
 ۲۴- رجال کشی، ص ۳۹۳؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۴؛ وسایل، ج ۳، ص ۳۵۰.  
 ۲۵- بحار، ج ۴۷، ص ۵۴.  
 ۲۶- مکارم الاخلاق، ص ۱۳۰؛ بحار، ج ۴۷، ص ۴۵.  
 ۲۷- رجال کشی، ص ۳۹۲-۳۹۳؛ بحار، ج ۴۷، ص ۳۶۱-۳۶۰.  
 ۲۸- وسایل، ج ۳، ص ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۵۳.  
 ۲۹- مکارم الاخلاق، ص ۱۳۰؛ وسایل، ج ۳، ص ۳۵۰-۳۵۱.  
 ۳۰- مکارم الاخلاق، ص ۱۳۰؛ وسایل، ج ۳، ص ۳۷۶؛ بحار، ج ۴۷، ص ۴۵.  
 ۳۱- کافی، ج ۶، ص ۴۴۲؛ وسایل، ج ۳، ص ۳۵۱؛ بحار، ج ۴۷، ص ۳۶۰-۳۶۱.  
 ۳۲- مکارم الاخلاق، ص ۱۲۰.  
 ۳۳- وسایل، ج ۳، ص ۳۶۲.  
 ۳۴- همان، ج ۳، ص ۳۴۹، ۳۵۵؛ بحار، ج ۴۷، ص ۳۲۲.  
 ۳۵- مکارم الاخلاق، ص ۱۴۲.  
 ۳۶- نواب الاعمال، ص ۶۱-۶۰؛ مکارم الاخلاق، ص ۱۲۹.  
 ۳۷- اصول کافی، ج ۴، ص ۴۸۳؛ وسایل، ج ۱۶، ص ۴۱۳، ۴۱۹، ۴۶۶، ۴۶۷؛ بحار، ج ۴۷، ص ۳۶۰.  
 ۳۸- مکارم الاخلاق، ص ۱۶۰؛ وسایل، ج ۱۶، ص ۴۷۶.  
 ۳۹- وسایل، ج ۱۶، ص ۴۹۳.  
 ۴۰- همان، ج ۱۶، ص ۴۸۳-۴۸۴.  
 ۴۱- مکارم الاخلاق، ص ۱۶۳؛ وسایل، ج ۱۶، ص ۵۲۳.  
 ۴۲- وسایل، ج ۱۶، ص ۵۲۳.  
 ۴۳- وسایل، ج ۱۶، ص ۵۱۶-۵۱۸.  
 ۴۴- همان، ج ۱۶، ص ۴۹۵.  
 ۴۵- مکارم الاخلاق، ص ۱۶۷؛ وسایل، ج ۱۶، ص ۴۲۱.  
 ۴۶- وسایل، ج ۱۶، ص ۴۶۶-۴۶۷، ۴۷۰.

